

وصلی اللہ علی سیدنا
محمد وآلہ الطاہرین

بسم اللہ الرحمن الرحیم
والحمد لله رب العالمین

کتاب الخمس

جلسہ چہاردهم: فیما یجب فیہ الخمس

۹۸/۱/۲۰

[فصل فيما يجب فيه الخمس]

فصل فيما يجب فيه الخمس و هو سبعة أشياء:

الأوّل: الغنائم المأخوذة من الكفّار من أهل الحرب قهراً بالمقاتلة معهم يكون بإذن الإمام عليه السلام؛ من غير فرق بين ما حواه العسكر و ما لم يحوه، و المنقول و غيره كالأراضي و الأشجار و نحوها

خلاصه بحث لغوی:

ماده غنم یغنم مشترکه لفظیة بین معنا الفائدة و معنا غنیمۃ الحرب لانّ اصل المعنی فی الغنیمۃ الفائدة و قد صرح ابن فارس ان هذا الاصل يختص بغنیمۃ الحرب كما فی آیۃ الخمس فكان استعماله فی المعنیین حقیقیّاً یحتاج تعینہ الی القرینۃ.

خلاصه بحث قرآنی:

کلمه غنمتم و مغانم در آیات قرآنی به معنای غنیمت جنگی بکار رفته است.

خلاصه بحث روایی:

ماده غنم بیشترین استعمالش در بحث از زکاة الغنم تکرار شده و به هر دو معنای عام (فائدة یافائدة بلامشقة) و معنای خاص غنیمت جنگی بکار رفته است.

۲- (۱۵)- (عدة من اصحابنا عن) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ قُوتِلَ عَلَيْهِ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِنَّ لَنَا خُمْسَهُ
وَ لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقُّنَا. (الكافي ۵/۵۴۵؛ المقتعة ۱/۲۸۰ عن أبي بصير؛)

احمد بن محمد يا بن عيسى الاشعري است يا بن خالد البرقي كه هر دو ثقة هستند.

احمد بن محمد بن عيسى الاشعري:

- أبو جعفر رحمه الله شيخ القميين و وجههم و فقيهم غير مدافع و كان أيضا الرئيس الذي يلقي السلطان
بها (رجال النجاشي ۸۳)

- أبو جعفر هذا شيخ قم و وجهها و فقيها غير مدافع و كان أيضا الرئيس الذي يلقي السلطان بها
(فهرست الطوسي ۶۱)

غير مدافع: به صيغه اسم فاعل يعني دفاع نمی کرد. شاید منظور دفاع از سلطان باشد. شاید به صيغه اسم مفعول
باشد یعنی کسی مزاحم او نبود از «دافعه بمعنی زاحمه» کنایه از بزرگی او در دیارش.

احمد بن محمد بن خالد البرقي: و كان ثقة في نفسه يروي عن الضعفاء و اعتمد المراسيل (رجال النجاشي ۷۷)

كان ثقة في نفسه غير أنه أكثر الرواية عن الضعفاء و اعتمد المراسيل (فهرست الطوسي ۵۳)

طعن القميون عليه و ليس الطعن فيه إنما الطعن في من يروي عنه فإنه كان لا يبالي عمن يأخذ على طريقة أهل
الأخبار و كان أحمد بن محمد بن عيسى أبعد عن قم ثم أعاده إليها و اعتذر إليه (ابن الفضائري ۱/۳۹)

علي بن الحكم: ثقة جليل القدر (فهرست الطوسي ۲۶۴)

۲- (۱۵) - (عدة من اصحابنا عن) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ قُوتِلَ عَلَيْهِ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِنَّ لَنَا خُمْسَهُ وَ لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقُّنَا. (الكافي ۵۴۵/۱؛ المقنعة ۲۸۰/۱ عن أبي بصير؛)

علی بن ابی حمزة بطائی:

- نام پدرش قاسم یا اسحاق (ابی القاسم) است و بیشترین روایت او در کتب مشایخ ثلاثه از ابی بصیر است (تعداد ۳۷۶ روایت) همچنین ۱۰۷ روایت از امام کاظم علیه السلام و ۸۵ روایت از امام صادق علیه السلام دارد. ۴ روایت از پدرش و ۳ روایت از اسحاق بن عمار ۲ روایت از علی بن یقطين و کمتر از ۱۰ روایت از بقیه روات نقل کرده است. (این اعداد تقریبی است و موارد تردیدی داخل آن نیست).
- او از رؤوس واقفه است و نزد او ۳۰ هزار دینار بوده و همین سبب واقفی شدن اوست.
- او قائد ابو بصیر بوده به همین جهت تعداد زیادی از روایات او از ابی بصیر است.
- او یک اصل دارد که بدست شیخ طوسی رسیده است.
- ابن غضائری و علامه قائل به ضعف او هستند ولی ضعف او به انکار امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام بازمی گردد و وجهی ندارد که روایات او را که از موسی بن جعفر نقل کرده است از او نپذیریم.
- خصوصاً آن که بزرگانی چون ابن ابی عمیر و بن زنی و صفوان و حسن بن محبوب و یونس بن عبدالرحمن و حسن بن علی الوشاء و حماد و حسین بن سعید و غیر ایشان از او روایت کرده اند معلوم می شود که نقل این روایات مربوط به سماع او قبل از وقف بوده است.
- شیخ نیز در عده گفته که طائفه شیعه به اخبار او عمل می کرده اند. (العدة ۱/۱۵۰)

۲- (۱۵)- (عدة من اصحابنا عن) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ قُوتِلَ عَلَيْهِ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِنَّ لَنَا خُمْسَهُ وَ لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقًّا. (الكافي ۱/ ۵۴۵: المقنعة ۱/ ۲۸۰ عن أبي بصير؛)

ابوبصير:

کنیه ابو بصیر به سه تن اطلاق می شود:

عبدالله بن محمد الاسدی ، لیث بن البختری المرادی و یحیی بن القاسم الاسدی
دو تن اخیر موثقند و هر جا که اطلاق داشته باشد به دلیل شهرت فرد سوم حمل بر او می شود به خصوص در مواردی که راوی از او بطائنی باشد که قائد یحیی بن القاسم الاسدی بوده است.
آقای خوئی می گوید هیچ جا ابو بصیر به صورت مطلق بر عبدالله بن محمد الاسدی (یعنی نفر اول) اطلاق نشده است بنابر این هر جا شک کنیم بین نفر دوم و سوم است چون هر دو ثقه هستند این شک اثری ندارد. (معجم الرجال ۲۰/ ۷۶)

ابن فضال نقل کرده که او مخلط بوده است و تخلیط اگر ثابت شود ضرری به توثیق نمی زند چون معنایش این است که روایات معروف و منکری را نقل کرده است و شاید برخی روایاتش به نظر ابن فضال چنین بوده است. (معجم الرجال ۲۰/ ۸۳)
و نجاشی او را توثیق کرده است. (النجاشی ۴۴۱)

شیخ گفته او مکفوف (کور) بوده است و کتابی داشته که ناقل آن علی بن ابی حمزة بطائنی است. (رجال الطوسی ۱۴۹ و ۵۰۴)

۲- (۱۵) - (عدة من اصحابنا عن) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ قُوتِلَ عَلَيْهِ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِنَّ لَنَا خُمْسَهُ وَ لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقُّنَا. (الكافي ۱/ ۵۴۵؛ المقنعة ۱/ ۲۸۰ عن ابی بصیر؛)

سند روایت:

بنابر واقفی بودن علی بن ابی حمزة موثق است ولی ظاهر این است که روایات منقول از او قبل از وقف او بوده است بنابر این روایت صحیح است.

دلالت روایت:

- ۱ - غنائم جنگی خمس دارد
- ۲ - روایت دلالت دارد که خرید از مال خمس خریدی فضولی و حرام است. لایحل به معنای حکم وضعی است و کلمه حقنا دلالت بر حرمت تصرف در آن دارد.

٣- (٤٣)- فَأَمَّا مَا رَوَاهُ- الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَيْسَ الْخُمْسُ

إِلَّا فِي الْغَنَائِمِ خَاصَّةً. (التهذيب ١٢٤/٤؛ الاستبصار ٢/٥٦)

(الفقيه، ٢/٤٠)

و الحمد لله رب العالمين